



ORIGINAL RESEARCH PAPER

Medical and Legal Justifications for Decriminalization of Soft Drugs

Seyed Reza Ehsanpour^{1*},  Mohammad Ali Mahdavi Sabet²

Received:

22 Mar 2020

Revised:

26 Mar 2020

Accepted:

28 Mar 2020

Available Online:

01 Apr 2020

Keywords:

Soft drugs,
Criminalization,
Decriminalization,
Medical Justification,
Crime.

Abstract

Background and Aim: Soft drugs are a relatively new concept that has no history at least in our country's legal and social literature. The term is referred to as a form of drugs with specific features and refers to those substances whose consumption is not likely to cause addiction, has less adverse effects on the health of the body and can be expected to use it as a treatment

Materials and Methods: This study is of descriptive - analytical one.

Ethical Considerations: Authenticity of the texts, honesty and confidentiality have been observed in this study.

Findings: The characteristics have caused some tendency to decriminalization of this type of drugs. However, the opposition believes that the decriminalization is in the first place opposed to legal moralism and secondly because it violates international obligations of governments. Also, releasing these drugs, such as hashish, will reduce prices and eventually increase its consumption. In addition to the implication of a large number of studies, Decriminalization of soft drugs consumption amounts to an increase in crimes especially financial crimes. The experience of countries already involved in drug abuse has also been an unsuccessful experience.

Conclusion: Decriminalization of soft drugs, in spite of some benefits, opposes many legal instruments and medical finds.

^{1*} Assistant Professor, University of Shahed, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

Email: Ehssanpour@Shahed.ac.ir Phone: +989373412963

² Assistant Professor, Department of Criminal Law, University of Imam Sadiq, Tehran, Iran.

Please Cite This Article As: Ehsanpour, SR & Mahdavi Sabet, MA (2020). "Medical and legal Justifications for Decriminalization of Soft Drugs". *Interdisciplinary Legal Research*, 1 (1): 39-54.



توجیهات حقوقی-پزشکی مخالف با جرم‌زدایی از مصرف مصرف مواد مخدر آرام

سید رضا احسان‌پور^۱، محمدعلی مهدوی ثابت^۲

۱. استادیار، گروه حقوق، دانشگاه شاهد، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: Ehssanpour@Shahed.ac.ir

۲. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.

دریافت: ۱۳۹۹/۱/۳ ویرایش: ۱۳۹۹/۱/۷ پذیرش: ۱۳۹۹/۱/۹ انتشار: ۱۳۹۹/۱/۱۳

چکیده

زمینه و هدف: مواد مخدر آرام مفهوم نسبتاً جدیدی است که لااقل در ادبیات حقوقی و اجتماعی کشور ما دارای سابقه نیست. این اصطلاح به عنوان گونه‌ای از مواد مخدر با ویژگی‌های خاص بوده و به آن دسته از موادی گفته می‌شود که مصرف آن احتمالاً منجر به عارضه اعتیاد نخواهد شد، دارای آثار سوء کمتری بر سلامت بدن است و می‌توان امکان استفاده درمانی از آن را انتظار داشت.

مواد و روش‌ها: روش تحقیق در این پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی است.

ملاحظات اخلاقی: در این تحقیق، اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: ویژگی‌های خاص مواد مخدر آرام سبب شده که برخی متمایل به جرم‌انگاری مصرف این نوع از مواد مخدر شوند. با این حال مخالفان این امر معتقدند، جرم‌انگاری به نحو مزبور اولاً مخالف با اخلاق‌گرایی قانونی بوده و ثانیاً منافی تعهدات بین‌المللی دولت‌ها است. همچنین آزاد سازی مصرف این مواد مانند حشیش، موجب کاهش قیمت و نهایتاً افزایش مصرف آن خواهد شد. بعلاوه اینکه به دلالت تعداد زیادی از تحقیقات بعمل آمده، جرم‌زدایی از مصرف مواد مخدر آرام، افزایش ارتکاب جرایم غالباً مالی را به همراه دارد. تجربه کشورهایی که پیش از این مبادرت به قانونمند کردن مصرف این مواد نموده‌اند نیز تجربه‌ای ناموفق بوده است.

نتیجه‌گیری: جرم‌زدایی از مصرف مواد مخدر آرام مانند حشیش و تلاش برای قانونمند کردن مصرف آن، اگرچه ممکن است واجد فوائد و آثار مثبت نیز باشد لیکن در تعارض با بسیاری از قواعد حقوقی و یافته‌های پزشکی قرار می‌گیرد، از اینرو فاقد توجیه است.

کلمات کلیدی: مواد مخدر آرام، جرم‌انگاری، جرم‌زدایی، توجیهات پزشکی، جرم.

مقدمه

۱- بیان موضوع: اتخاذ سیاست‌های نوین در مبارزه با مصرف مواد مخدر، برخی از کشورها نظیر هلند را بر آن داشته تا با تمیز میان انواع مواد مخدر، مصرف گونه‌های کم خطر تر، موسوم به مواد مخدر آرام را قانونمند ساخته و از این طریق ضمن احترام به آزادی‌های فردی و قوه اراده و خودمختاری افراد، درخصوص آشنایی و گرایش ایشان به انواع مضرتر مواد مخدر پیشگیری نموده و نیز مصرف مواد مخدر در کشور را تحت کنترل قرار دهد. این دیدگاه موافقت و مخالفت‌های بسیاری را در حوزه مباحث حقوقی و پزشکی به همراه داشته است. آنچه در این پژوهش ارایه می‌شود ادله و توجیهات حقوقی و پزشکی مخالف با جرمزدایی و قانونمندی مصرف مواد مخدر آرام است.

۲- تبیین مفهوم: واژه مواد مخدر آرام ترجمه Soft Drug است. واژه Soft از جمله به معنای نرم، سبک، و ملایم بکار رفته و مراد از Drug نیز هر چند در لغت به معنای دارو است لکن اغلب در مفهوم داروهای غیرقانونی، غیرمجاز و سرانجام مواد مخدر بکار می‌رود. (OxfordDictionary.com, 2020)

از کنار هم قرار گرفتن این دو واژه، ترکیب وصفی مواد مخدر آرام یا نرم و یا سبک بدست می‌آید. مواد مخدر آرام مفهوم نسبتاً جدیدی است که لاقلاً در ادبیات حقوقی و اجتماعی کشور ما دارای سابقه نیست. این اصطلاح به عنوان گونه‌ای از مواد مخدر با ویژگی‌های خاص بوده و در مقابل مفهوم مواد مخدر سخت قرار می‌گیرد.

مواد مخدر آرام به آن دسته از موادی گفته می‌شود که مصرف آن احتمالاً منجر به عارضه اعتیاد نخواهد شد، علاوه بر آن، مصرف آن نیز دارای آثار سوء کمتری بر سلامت بدن خواهد بود. همچنین می‌توان امکان استفاده درمانی از این مواد را به عنوان ضابطه تمایز دیگری با دیگر انواع مواد مخدر دانست. بنا بر مراتب مذکور، مواد مخدر آرام، آن دسته از مخدرهایی هستند که واجد ویژگی‌های سه گانه ذیل باشند: میزان اعتیاد آوری آن پایین باشد؛ میزان اثرات منفی آن بر بدن انسان اندک باشد؛ امکان استفاده درمانی از آن محتمل باشد.

(FreeDictionary.com, 2020) در ایران، هلند و ایالات

متحده، مفهوم ماده مخدر آرام قابل صدق بر «حشیش» است. ۳- روش تحقیق: روش تحقیق در این پژوهش به صورت تحلیلی و توصیفی است.

بحث و نظر

عمده توجیهات حقوقی در مخالفت با قانونمند سازی و جرمزدایی از مصرف مواد مخدر آرام (از جمله حشیش) به شرح ذیل است:

۱- اخلاق‌گرایی حقوقی

یکی از دلایل مخالفت با جرمزدایی مصرف مواد مخدر آرام دیدگاه اخلاقی است. طبق این دیدگاه چنانچه رفتاری از لحاظ اخلاقی قابل پذیرش نباشد مجازات نمودن آن عمل به خودی خود ضروری است. بنابر نظر طرفداران مکتب عدالت مطلق که پرچمدار آن امانوئل کانت است، «چنانچه عمل خلاف مجرم به خود وی بازگشته باشد، وی نمی‌تواند مدعی بی‌عدالتی علیه خود در نتیجه اجرای مجازات گردد، دلیل این سخن نیز نقض قواعد اخلاقی توسط مجرم در نتیجه ارتکاب جرم می‌باشد.» (اردبیلی، ۱۳۹۷: ۳۵) طبق این دیدگاه حتی اگر عمل مجرمانه موجب آثار منفی بر سایر افراد جامعه نیز نگردد، اما به دلیل نقض قواعد اخلاقی، مرتکب، مستحق اعمال مجازات خواهد بود. از اینرو مجازات نباید هیچگاه به عنوان وسیله‌ای صرفاً جهت واکنش علیه ضررهای ایجاد شده به منافع دیگران توسط مرتکب به شمار آید، بلکه نقض قواعد و قوانین اخلاقی فی نفسه مستحق مجازات می‌باشد. این دیدگاه در قرن بیستم نیز توسط افرادی همچون بردلی (Bradley) بازگو شد. طبق عبارت مشهور وی، «ما مجازات را می‌پذیریم چون لایق و مستحق آن هستیم و نه به دلیلی دیگر». همچنین این امر در فرهنگ کلیسای کاتولیک نیز بخوبی نمایان است. کلیسا مجازات استفاده از مواد مخدر را به عنوان پیامد ضروری بداخلاق در مصرف مواد مخدر می‌داند. عقیده اصلی کلیسای کاتولیک در مواجهه با این مسأله این است که مصرف مواد مخدر از هر نوع آن، شر است و از اینرو مصرف کننده آن مستحق کیفر خواهد بود. (احسان پور و امی، ۱۳۹۹: ۱۲)

۲- تجربه ناموفق جرم‌زدایی

به زعم مخالفان، قانونمندی مصرف مواد مخدر آرام، در کشورهایی که پیش از این مبادرت به چنین امری نموده‌اند تجربه‌ای ناموفق بوده بنحوی که این کشورها پس از صرف هزینه‌های بسیار، مجدداً به نظام حقوقی پیشین خود در این خصوص رجعت نموده‌اند. به عبارت دیگر پیمودن مسیر اشتباهی که دیگران آنرا پیموده‌اند عقلایی نیست.

زمانی در آمریکا و در ایالت آلاسکا، مصرف برخی از انواع مواد مخدر آرام، شکل قانونی به خود گرفت. آزادسازی مصرف حشیش در دهه ۷۰ میلادی، سبب شد که جمعیت معتادان در این ایالت (از میان گروه‌های سنی ۱۳ تا ۱۹ سال) دو برابر این مقدار در سایر کشورها باشد. در نتیجه نیز افت تحصیلی دانش‌آموزان افزایش یافت، حوادث جاده‌ای بیشتر شد و نرخ بیمه اتومبیل نیز سر به فلک کشید و در نتیجه، زمینه لازم جهت جرم‌انگاری مجدد حشیش در ۱۹۹۰ را فراهم آورد.

(احسان‌پور و احسان‌پور، ۱۳۹۵: ۱۷۲) همچنین می‌توان در این خصوص به سیاست دارویی و مواد مخدر اسپانیا اشاره کرد. این کشور در سال ۱۹۷۶، مصرف تمامی انواع مواد مخدر و روان‌گردان را مورد جرم‌زدایی قرارداد. پس از آن در سال ۱۹۸۳ و در زمان حکومت سوسیالیستی فیلیپو گزالس، برای نخستین بار، میان مواد مخدر آرام و سخت قائل به تفکیک شد. ۹ سال بعد، یعنی در سال ۱۹۹۲ قانونی به تصویب رسید که مصرف مواد مخدر آرام را نیز به شدت در اماکن عمومی محدود و تابع مقررات خاصی نمود. با این حال مصرف این مواد همچنان جرم نبوده و فاقد مجازات به شمار می‌آمد. هم‌اکنون گفته می‌شود که جرم‌زدایی از مواد مخدر آرام در این کشور به کمترین میزان مقبولیت عمومی رسیده و حدود ۸۰ درصد از شهروندان مخالف با این سیاست هستند. فلذا گزاف نیست اگر گفته شود که سیاست سهل‌گیرانه اسپانیا در قبال مواد مخدر آرام، سیاستی شکست خورده است. (احسان‌پور و امی، ۱۳۹۹: ۱۳)

کشور سوئیس که به داشتن سیاست دارویی لیبرال در اروپا مشهور است، اقدام به راه‌اندازی پارک تزریقات در این کشور نمود. این پارک به زودی کعبه آمال تمامی معتادان در اروپا

گردید. در این مکان معتادان بدون هیچ‌واهمه‌ای به خرید و فروش و مصرف مواد مخدر پرداخته و پلیس نیز هیچ نوع کنترل و نظارتی در این خصوص به عمل نمی‌آورد. این امر موجب افزایش نرخ جرایم و خشونت در این پارک شد به‌نحوی که در نهایت مسؤولان اقدام به تعطیلی این پارک در سال ۱۹۹۲ میلادی نمودند. (احسان‌پور و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۰۰)

انگلستان نیز تجربه ناموفقی را در آزادسازی مواد مخدر پشت سر گذاشت. تجربه انگلستان نشان داد که تساهل در سیاست‌های مربوط به مواد مخدر منجر به افزایش مصرف و افزایش تعداد معتادان خواهد شد. طبق سیاست سهل‌گیرانه بریتانیا، پزشکان توانستند که برای معتادان به میزان مقرر به تجویز هرویین بپردازند. این امر موجب انفجار مصرف هرویین در این کشور شد و موجب افزایش ۳۰ درصدی مصرف هرویین در آمار سالانه را فراهم آورد. (رحمدل، ۱۳۸۶: ۲۵)

در سوئد، در دوره کوتاهی مابین ۱۹۶۵-۱۹۶۷، سیاست سهل‌گیرانه‌ای پیرامون مواد مخدر وجود داشت. در این دوران به تعدادی از پزشکان اجازه داده شده بود تا به تجویز مواد مخدر برای معتادان بپردازند. این امر به صورت گسترده‌ای موجب افزایش مصرف این ماده گردید به‌نحوی که دولت تا پایان دهه ۶۰ میلادی دوباره به سیاست سخت‌گیرانه پیشین خود عودت نمود. مطالعات صورت گرفته در این رابطه حکایت از آن داشت که میزان مصرف مواد مخدر در میان جوانان از ۱۵ درصد در سال ۱۹۷۱ به ۴ درصد در سال ۱۹۹۱ کاهش یافته است. (Kaplin, 1994: 12)

3- تاثیر «قابلیت دسترسی» و «قیمت» بر مصرف

می‌دانیم که ارباب نقش اندکی در تعیین میزان مصرف و یا تعداد مصرف‌کنندگان دارد. در مقابل، سایر عوامل غیرحقوقی نظیر میزان دسترسی به مواد مخدر و قیمت، از عوامل تأثیرگذار در این رابطه هستند. در دسترس بودن و قیمت مواد مخدر دو عامل مهم مصرف حشیش به شمار می‌آید. (Warner, 1991: 641) به طور کلی انتظار می‌رود که قانون مبارزه با مواد مخدر با جرمانگاری مصرف مواد، از طریق محدود کردن «قابلیت دسترسی» به مواد مخدر موجب کاهش مصرف آن گردد.

دیگر آنکه انتظار می‌رود، کاهش قابلیت دسترسی به مواد مخدر موجب افزایش قیمت آن شده و همین امر موجب کاهش تمایل به مصرف آن گردد. (Reuter & Kleiman, 1989: 286)

۴- افزایش آمار ارتکاب جرایم

از دیگر استدلال‌هایی که در مخالفت با جرمزدایی از مصرف مواد مخدر آرام بیان می‌شود آن است که مصرف این مواد موجب افزایش نرخ جرایم خواهد شد. تصور کنید فردی را که دلیل مصرف ماده مخدر نظیر حشیش، درک خود را از دست داده و یا تحت تأثیرات حاصل از مصرف آن به ارتکاب جرم بپردازد. طیف جرایمی که این گروه می‌توانند مرتکب آن شود بسیار وسیع است و از تخلفات راهنمایی و رانندگی تا قتل در نوسان می‌باشد. به عنوان مثال ممکن است فردی که تحت تأثیر حشیش قرار دارد، در هنگام رانندگی، همچون یک انسان مست، از کنترل اتومبیل تحت هدایت خود ناتوان شده و یا حتی حرکت با سرعت بالا را به دلیل سکر حاصل از مصرف مخدرات، اندک تصور نماید و در نتیجه منجر به حادثه رانندگی گردد. (Donovan & Jessor, 1983:543)

۴-۱- شواهد تحقیقاتی

تحقیقات نشان داده است که میان ارتکاب جرایم، خشونت و مصرف مواد، رابطه مستقیم وجود دارد. مصرف حشیش و سایر انواع مواد مخدر با عدم سازگاری اجتماعی نیز در ارتباط است. (Polich & et al, 1984: 12)

میان مصرف حشیش و عمر بزهکاری در بین مصرف‌کنندگان این ماده رابطه وجود داشته باشد. پیمایش‌های صورت گرفته در خصوص مصرف مواد در میان جوانان، نشان از رابطه میان مصرف منظم حشیش و کثرت جرایم دارد. (Salmelainen, 1995: 15; Trimboli, 1998:12)

به عنوان مثال جانسون (Johnston) و همکاران وی به بررسی رابطه میان مصرف مواد و بزهکاری در میان مردان پرداختند و به این نتیجه رسیدند که رفتارهای مجرمانه با افزایش نرخ مصرف مواد در ارتباط است. (Johnston & et al, 1978: 14)

خصوص تغییر در مصرف مواد و جرم در طول زمان نشان داده است که گروه‌های مصرف‌کننده مواد مخدر نرخ بالای بزهکاری را پیش از مصرف مواد مخدر نیز به ثبت رسانده بودند. نیوکامب (Newcomb) و بنتلر (Bentler) از رابطه مثبت میان مصرف مواد و ارتکاب بزهکاری سخن گفته‌اند. (Newcomb & Bentler, 1988: 8)

گزارش نهایی وایت (White) در خصوص سلسله مطالعات انجام گرفته پیرامون مصرف حشیش و ارتکاب جرم در ایالات نیوجرسی در میان جوانان ۱۲ تا ۱۸ سال به این نتیجه رسید که همبستگی مثبتی میان مصرف حشیش و وقوع بزهکاری وجود دارد. (White, 1991: 231)

فرگوسن (Fergusson) و هورود (Horwood) در تحلیل خود از رابطه میان این دو به چهار معیار توجه نشان دادند. معیارهای مزبور عبارت بودند از جرایم خشن، جرایم علیه اموال، بازداشت توسط پلیس و محکومیت به یکی از انواع جرایم. نتیجه حاصل آن بود که میان مصرف حشیش و وقوع بزهکاری از جانب نوجوانان زیر ۱۶ سال رابطه مثبتی وجود دارد. (Fergusson & Horwood, 1997: 279)

نتایج حاصل از تحقیقات بروک (Brook) و همکاران وی نیز از رابطه مثبت میان مصرف حشیش و افزایش دو برابری احتمال وقوع جرایم خشونت آمیز حکایت دارد. (Brook & et al, 1999: 1549)

آرسنالت (Arsenault) و همکاران وی به انجام مطالعه‌ای در خصوص رابطه میان ناهنجاری‌های روانی و بروز خشونت در میان نمونه آماری ۹۶۱ نفره از نوجوانان نیوزلندی پرداختند. ایشان در مطالعه خود، در مقام ارزیابی ناهنجاری‌های مزبور، به وابستگی افراد به مواد مخدر و شرب الکل توجه نشان داده و نقش آن در بروز خشونت را به مطالعه گذاردند. وقوع خشونت از دو طریق «خود اظهاری» توسط نمونه‌های آماری و نیز «گزارشات آماری» پلیس جمع گردید. نتیجه حکایت از آن داشت که ۷/۶ درصد از مجموع نمونه‌های تحت بررسی به اقرار خود، مرتکب خشونت در یک سال اخیر شده و ۴ درصد از ایشان توسط دادگاه محکوم به ارتکاب جرایم خشن گردیده‌اند. همچنین ایشان به پیوند قوی میان وقوع خشونت در نتیجه

مصرف حشیش و الکل که به صورت رسمی یا در نتیجه خود
 اظهاری تحصیل گردید دست یافتند. (Arsenault & et al, 2000: 979)
 حسب مطالب فوق، جرایم قابل ارتکاب توسط این افراد به دو
 گروه قابل تقسیم است: نخست جرایم «مربوط به» مواد مخدر
 نظیر کشت، خرید، حمل و مصرف مواد و دوم جرایم «در
 ارتباط» با مصرف مواد مخدر که فرد به دلیل اعتیاد به یکی از
 گونه‌های مواد مخدر مرتکب برخی از انواع جرایم می‌گردد.
 جرایم گروه دوم خود به دو دسته جرایم خشن و جرایم غیر
 خشن قابل تقسیم است. غالب جرایم غیر خشن که توسط این
 افراد ارتکاب می‌یابد از جمله جرایم علیه اموال است چه آنکه به
 عنوان مثال. بسیار شایع است که فرد معتاد به دلیل تأمین
 مخارج اعتیاد خود، مرتکب جرایمی نظیر سرقت و یا زورگیری
 و امثال آن گردد. همچنین از آنجا که بسیاری از معتادین فاقد
 کسب و پیشه معینی هستند، سرقت در میان این گروه، نه تنها
 جهت تأمین هزینه اعتیاد بلکه تأمین هزینه‌های خوراک،
 پوشاک و مسکن و سایر خدمات، بسیار مشاهده می‌شود.
 تحقیقی که توسط دو تن از محققین بنام **آنجلین و بال** صورت
 گرفت، به وضوح نشان داد که اغلب معتادین، مرتکب طیف
 وسیعی از جرایم می‌شوند. به زعم این دو، هنگامی که نیاز به
 مصرف هروئین در میان این گروه افزایش می‌یابد، به نسبت،
 نرخ جرایم نیز افزوده شده و بالعکس، در موارد کاهش تمایل به
 مصرف، از نرخ بزهکاری مزبور نیز کاسته می‌شود.
 معتادین تحت مطالعه در بالیتومی نیز بدلیل اعتیاد شدید به
 هروئین، بطور متوسط در هر سال حدود ۲۵۵ روز، مرتکب
 رفتارهای غیرقانونی شده‌اند که البته مصرف داروهای مجاز و
 مواد مخدر نیز در این آمار ملحوظ قرار گرفته است. نرخ
 بزهکاری این گروه در صورت فقدان مصرف شدید هروئین تنها
 ۶۵ روز در طول سال گزارش شده است. در مجموع، به نظر
 می‌رسد که ۸۰ درصد از جرایم مالی این گروه به منظور تأمین
 مالی مصارف اعتیاد خود می‌باشد.
 (encyclopedia.com/Drug Legislation: For and)
 (Against, 2018)

دسته دوم، جرایم توأم با خشونت است که فرد معتاد در نتیجه
 سکر ناشی از مصرف مواد و یا عوارض روانی طولانی مدت آن،
 مرتکب رفتارهای خشونت آمیز می‌گردد. به عنوان مثال گفته
 شده که قتل‌هایی که تحت تأثیر مواد مخدر صورت گرفته‌اند، از
 حیث فراوانی شش برابر بیش از سایر انواع قتل‌ها است. آمار،
 حکایت از افزایش موارد ارتکاب قتل عمد، فرزند و همسرآزاری،
 تخریب اموال دیگران، زنا، تهاجم و سایر انواع جرایم
 خشونت‌آمیز تحت تأثیر مصرف مواد مخدر و بطور خاص مصرف
 حشیش دارد. (احسان‌پور و احسان‌پور، ۱۳۹۵: ۱۹۵)

۴-۲- شواهد تاریخی

در آمریکا نخستین پیوند میان مصرف حشیش و اعمال
 خشونت‌آمیز به تاریخ ۱۹۲۶ میلادی در قالب مقاله‌ای علمی
 برقرار گردید. پس از آن ابتکار عمل در این خصوص در اختیار
 اداره مواد مخدر فدرال قرار گرفت تا این اداره در مقام تضمین
 قانون مبارزه با حشیش در سال ۱۹۳۷ سلسله مطالعات سازمان
 یافته‌ای را در این محور آماده و منتشر نماید. (Anslinger, 1937: 156)
 جهت تایید اظهارات رسمی اداره مواد مخدر
 فدرال، تلاش‌های بسیاری نیز صورت گرفت که نخستین دلیل
 اقامه شده بر خشونت‌آمیز بودن مصرف حشیش، توجه به سابقه
 تاریخی این امر و ریشه شناسی لغوی آن به شرح ذیل است.
 کلمه **Assassin** در زبان انگلیسی به معنای تروریست به کار
 می‌رود. این لغت برگرفته از لفظ حشیش است. گفته شده که
حسن صباح از دُعوات معروف اسماعیلیه که در قلعه مستحکم
الموت در ایران اقامت داشته، قبل از اعزام نیروهای خود جهت
 ترور مخالفان، به آنها حشیش می‌خوراند و از این طریق قوه
 درک ایشان را زائل و آماده انجام ماموریت‌های خشن می‌نمود.
 از اینرو این گروه به حشاشین یعنی مصرف‌کنندگان حشیش
 معروف شدند. این لفظ بعدها به حشاشین (Hassassin) و
 سپس به **Assassin** تغییر یافت. (Fussier, 1931: 84)
 البته در این خصوص روایت دیگری نیز وجود دارد. طبق این
 روایت **حسن صباح** برای مخفی ماندن راز اعمال و رفتار خود،
 طرفداران خویش را از سکر حشیش سیراب می‌نمود تا شرح
 موقوف اعمال ایشان هیچگاه در خاطر باقی نماند و به بیرون

شخص خاصی استفاده نماید، ایشان را در حالت خواب از بهشت بیرون آورده و وقتی که بیدار می‌شوند در نتیجه خماری حاصل از حضور در باغ گمان می‌برند که گویی در حضور پیامبر اعظم شرفیاب شده‌اند. پیرمرد از ایشان می‌پرسد که از کجا آمده‌اید؟ و ایشان پاسخ می‌دهند: از بهشت. سایر جوانان که هنوز وارد باغ نشده‌اند با شنیدن این سخن به وجد آمده و برای ورود به بهشت حاضر به جان فشانی و انجام ماموریت‌های خطرناک در وقت معین می‌گردند.» (Mandel, 1966: 149)

۵- افزایش مصرف مواد مخدر سخت (نظریه دروازه ورود)

برخی معتقدند که مصرف حشیش موجب مصرف سایر انواع مواد مخدر سخت نظیر هروئین، کوکائین یا اکستازی خواهد شد. (DuPond, 1984: 20) به زعم این گروه مصرف حشیش نقطه آغاز مصرف سایر مواد مخدر سخت و مجرای ورود به آن به‌شمار می‌آید. ایشان در تائید نظرات خود به مطالعاتی استناد می‌نمایند که طبق آن، کسانی که تجربه مبادرت به مصرف مواد مخدر سخت داشته‌اند، پیش از این تجربه استفاده از حشیش را نیز داشته‌اند. به این نظریه، «تئوری دروازه ورود» گفته می‌شود. یعنی مصرف حشیش دروازه ورود مصرف سایر انواع مواد مخدر سخت است.

در ایالات متحده، نخستین بار دکتر آنسلینگر در شهادت خود در محضر سنا در سال ۱۹۵۵ در پاسخ به سوالی در خصوص رابطه میان مصرف حشیش و هروئین اذعان نمود: «نگرانی عمده ما در خصوص مصرف حشیش آن است که اگر این امر به‌صورت طولانی مدت صورت گیرد، منجر به اعتیاد به هروئین خواهد شد.» وی همچنین در سال ۱۹۶۰ بار دیگر در پاسخ به این سوال کمیته که آیا مصرف حشیش موجب اعتیاد به هروئین می‌گردد اذعان داشت: «بلی، مصرف حشیش به ویژه در ایالت‌های نیویورک و لس‌آنجلس، آغاز مسیری است که به هروئین ختم خواهد شد. معمولاً همه چیز از مصرف حشیش آغاز می‌شود و سپس مصرف کنندگان با تغییر ذائقه خواستار امتحان کردن ماده‌ای قوی‌تر خواهند بود. در این جا است که تمایل به مصرف هروئین بوجود می‌آید و این آغاز مشکلات است.» (Hearing, 1960: 182)

درز ننماید. (Wolf, 1936: 119) به هر حال این دلیل هنوز به عنوان توجیه رابطه میان مصرف حشیش و ارتکاب خشونت مورد استفاده قرار می‌گیرد. دکتر رونالد اوریا، ریاست پیشین شورای مشورتی اعتیاد به مواد مخدر ایالت نیویورک، در همین رابطه می‌گوید: «امکان بالقوه خشونت آمیز بودن مصرف حشیش، در نفس این کلمه و سابقه تاریخی آن نهفته است. چه آنکه این کلمه مشتق از نام کسی است که در قرن سیزده بعد از میلاد از حشیش برای آماده کردن یاران خود جهت ارتکاب جرایم خشونت‌آمیز استفاده می‌نمود.» علاوه بر این دکتر ادوارد بلوم کوايست، (Edward Bloom Quist) موضوع را با دقت بیشتر بررسی نموده است: «در خصوص اینکه لفظ تروریست (Assassin) مشتق از کلمه حسن (Hassan) است یا حشیش (Hashish) اختلاف نظر وجود دارد. برخی معتقدند که واژه حشیش، خود از لفظ حسن ریشه گرفته است. با این وجود، یک چیز قطعی است و آن اینکه مفاهیم حسن، حشیش و ترور، در ارتباط با فدائیان قلعه الموت با یکدیگر پیوند خورده‌اند. و حکایت از ارتکاب رفتارهای خشونت‌آمیز در نتیجه گسیختگی روحی ناشی از مصرف حشیش دارند.» (Bloom, 1968: 27)

در سال‌های اخیر دو مطالعه عمیق در خصوص ریشه این کلمه صورت گرفته است. در نخستین پژوهش گفته شده که ارتباط میان دو کلمه Assassin و حشیش به احتمال زیاد نشات گرفته از سفرنامه مارکوپولو است: «در دره‌ای میان دو کوه، بزرگترین و زیباترین باغی که در عمرم مشاهده کردم وجود دارد. در این باغ بهترین میوه‌های جهان، فراخ‌ترین خانه‌ها و زیباترین اماکن موجود است که مزین به تصاویر زیبایی از بهترین مناظر جهان می‌باشد. شیر، شراب ناب، عسل و آب به وفور در آن یافت می‌شود. در این باغ زنان و دوشیزگانی حضور دارند که در زیبایی بی‌نظیر بوده و با تمامی آلات موسیقی به‌خوبی به خنیاگری و خوانندگی پرداخته و بهتر از هر زنی می‌رقصند. در این باغ هیچ مردی پا نخواهد گذاشت مگر آنکه بخواهد دست به ترور بزند. در این صورت پیرمرد، ایشان را در دسته‌های دوازده نفری وارد اتاق خود می‌نماید و با دادن مرقد آنها را به خواب عمیق می‌فرستد و در حالیکه خواب هستند، آنان را وارد باغ می‌نماید. هنگامیکه از خواب برخیزند، گویی که واقعاً در بهشت وارد شده‌اند. چنانچه پیرمرد بخواهد از یاران خود برای ترور

یکی از مشهورترین حامیان نظریه «حشیش؛ دروازه مصرف مواد مخدر سخت» روبرت دوپونت (Robert Dupont) رئیس سابق مؤسسه ملی مبارزه با سوء مصرف مواد مخدر آمریکا است. وی در کتاب خود بنام «راهنمای خانواده‌ها در خصوص دروازه مصرف مواد مخدر سخت»، تئوری مزبور را مورد تشریح قرار داده و با ارائه آمار و ارقام به اثبات این نظریه پرداخته است. از دیگر طرفداران این تئوری آقای دنیز کندل (Denise Kandel) مؤلف کتاب «تئوری مدخلیت حشیش برای مصرف مواد مخدر سخت» است.

در سال ۱۹۸۵، گابریل جی ناهاس (Gabriel G. Nahas) کتابی را تحت عنوان «از حشیش دوری نمایم» منتشر نمود و در آن خاطر نشان ساخت که تغییرات حاصل از مصرف حشیش در مغز موجب افزایش تمایل مصرف مواد و نیز تغییر در الگوی مصرف خواهد شد به نحوی که بسیاری از استعمال‌کنندگان حشیش پس از مدتی به مصرف سایر انواع مواد مخدر سخت روی خواهند آورد. از این رو خطر اعتیاد به مصرف کوکائین و هروئین در نتیجه مصرف حشیش به خوبی روشن است. (Nahas, 1985: 18)

در سال ۱۹۹۵ «انجمن حمایت از امریکای عاری از مواد مخدر» با حمایت مؤسسه ملی مبارزه با سوء مصرف مواد مخدر و دفتر کاخ سفید در حوزه سیاستگذاری کنترل مواد مخدر، مبارزه هماهنگی را علیه مصرف حشیش آغاز نموده و با استناد به گزارش مرکز مبارزه با اعتیاد و سوء مصرف مواد مخدر (CASA) ادعا نمودند که مصرف‌کنندگان حشیش ۸۵ برابر بیش از سایرین در معرض اعتیاد به کوکائین قرار دارند. (Drcnet.org, 1960)

در سال ۲۰۰۶ مؤسسه کارولینسکا (Karolinska) در سوئد به بررسی تأثیر مصرف سایر انواع مواد مخدر سخت بر روی ۱۲ موش پرداخت. در این پژوهش وی به شش موش آزمایشگاهی در هر سه روز یکبار مقدار اندکی THC معادل هر بار مصرف حشیش توسط انسان داد. این نمونه‌ها از امکان استفاده از هروئین نیز برخوردار بودند. آزمایشات نشان داد که تمایل نمونه‌های مزبور به استفاده از هروئین افزایش یافته است.

مؤسسه مزبور با آزمایش بر روی سلول‌های مغز موش‌ها دریافت که مصرف حشیش با تأثیر بر سیستم مرتبط با احساسات مثبت نمونه‌ها، در مواقع کاهش آثار خود بر سلول‌های مغز، موجبات افزایش تمایل به مصرف بیشتر هروئین را ایجاد می‌نماید. (Vince, 2006: 2)

همچنین ون اورز (Van Ours) در مطالعات خود به شواهدی دست یافته که نتیجه ذیل را برای وی به همراه داشته است: «در هلند بسیاری از مصرف‌کنندگان حشیش از آسیب‌پذیری در خصوص اعتیاد به هروئین و کوکائین برخوردار هستند. از اینرو سیستم هلند در تفکیک بازار مواد مخدر آرام و سخت چندان غیر معقول نیست. از تحقیقات انجام گرفته می‌توان چنین استنباط نمود که تجویز استفاده کنترل شده از مواد مخدر آرام دارای آثار تعیین‌کننده بر مصرف مواد مخدر سخت است.» (VanOurs, 2003: 539)

از مجموع تحقیقات و آزمایشات مذکور می‌توان بر درستی نظریه «دروازه ورود» صحنه گذارد.

۶- نقض معاهدات بین‌المللی

بسیاری از کشورها، در عرصه حقوق بین‌الملل، به کنوانسیون‌هایی درخصوص منع ایجاد بازار حشیش، کوکائین و سایر مواد مخدر (از جمله مواد مخدر آرام) پیوسته و یا معاهدات بسیاری در این خصوص با سایر کشورها منعقد نموده‌اند. به عنوان مثال آمریکا، کنوانسیون مواد مخدر و کنوانسیون مواد روان‌گردان را به امضاء رسانده و در راستای کنترل و مجازات تولید، قاچاق و مصرف آنها با سایر کشورها موافقت‌نامه‌هایی را امضاء کرده است. تاکنون حدود ۱۱۲ کشور جهان از جمله ایران و هلند، التزام خود به قوانین مواد مخدر را در چارچوب کنوانسیون‌ها اعلام نموده‌اند. با چنین توصیفی چگونه می‌توان به جرم‌زدایی برخی از انواع مواد مخدر پرداخت؟

از منظر سیر تاریخی، نخستین تلاش جهانی برای ممنوعیت حشیش در سطح بین‌الملل با اجتماع ۱۲ نماینده کشورهای مختلف در شانگهای چین آغاز شد. هدف کنفرانس ۱۹۰۹ شانگهای بحث در خصوص امکان تهیه معاهده‌ای جهت کنترل مواد مخدر با تمرکز اصلی بر محدودیت واردات تریاک به کشور چین بود. دومین نشست در سال ۱۹۱۲ در لاهه منتهی به

اضافه شدن ماده مخدر کوکائین به فهرست مواد مخدر تحت کنترل گردید. از این تاریخ به بعد این ماده در تمامی توافقات بین‌المللی به عنوان ماده مخدر به شمار آمد. با اصرار ایالات متحده و ایتالیا، مسأله حشیش نیز در دستور کار قرار گرفت اما مباحث مطرح شده در رابطه با آن مختصر و گذرا بوده و نهایتاً به عنوان ماده مخدر تحت کنترل معرفی نگردید. در کنفرانس بعدی که در ژنو برگزار گردید اعضاء جامعه ملل توافق نمودند که از صادرات مواد مخدر به کشورهای که به صورت رسمی واردات مواد مخدر جز جهت مصارف درمانی و اهداف علمی را ممنوع نموده‌اند اجتناب نمایند. در این کنفرانس ایالات متحده پیشنهاد کرد که حشیش نیز به فهرست مواد مخدر تحت کنترل اضافه گردد. در آن زمان بسیاری از کشورهای حاضر در کنفرانس در سطوح ملی مشکل خاصی در خصوص شیوع این ماده در کشور خود نداشتند از این رو اصرار به اضافه کردن حشیش نمی‌توانست مقاومت خاصی را توسط این کشورها بر انگیزاند. علاوه بر آن مصر، آفریقا و کانادا نیز گزارشاتی را در خصوص مشکلات ناشی از مصرف این ماده در کشور خود ارائه نمودند. البته در این رابطه مقاومت‌هایی نیز توسط برخی کشورهای صادرکننده مواد مخدر (که تجارت بین‌المللی ایشان بدین نحو مورد تهدید قرار گرفته بود) صورت پذیرفت اما هیچ کدام از کشورهای تأثیر گذار حاضر در این کنفرانس، بدلیل فقدان منافع مالی مخالفتی با این موضوع نشان ندادند. پس از این کنفرانس کشورهایی که تاکنون اقدامی در این زمینه انجام نداده بودند آغاز به تصویب قوانین ملی جهت محدود نمودن واردات حشیش کردند. در واقع از آنجا که کنفرانس ژنو کشورهای صادر کننده مواد مخدر را ملزم به محدود نمودن صادرات به آن میزان که کشورهای وارد کننده مورد تصویب و تأیید قرار می‌دهند نموده بود، از اینرو تصویب قوانین داخلی در کشورهای وارد کننده، جهت تعیین مقدار حشیش قابل صادرات توسط دول صادر کننده اجتناب ناپذیر می‌نمود. البته کنوانسیون مزبور به هیچ وجه حمل و یا مصرف حشیش در میان شهروندان دول عضو را مورد اشاره و منع قرار نداده بود.

همچنین طبق این کنوانسیون توزیع، فروش و حتی تولید (کشت) داخلی حشیش مورد محدودیت قرار نمی‌گرفت. با این وجود برخی از کشورها نظیر ایالات متحده با اتخاذ سیاست کیفری اقتدارگرا و خشن، حتی موارد غیرمصرح در کنوانسیون را نیز مورد جرم انگاری قرار دادند. (Marcel, 1994:3; Leuw & Marshal, 1994: 113; Fromberg, 1994: 124)

این شرایط در سال ۱۹۶۱ با تصویب کنوانسیون واحد که تحت مدیریت سازمان ملل و با هدف تجمیع تمامی معاهدات و توافقات صورت گرفته در رابطه با مواد مخدر و اصلاحات بعدی آن تصویب شد کاملاً تغییر یافت. با این حال کنوانسیون مزبور در شکل نهایی خود بسیار جلوتر از توافقات قبلی حرکت کرد و محدودیت‌های جدیدی را نیز به کشورهای عضو تحمیل نمود. بر اساس این کنوانسیون، حتی تولید (کشت) داخلی حشیش جز به منظور اهداف علمی و درمانی ممنوع گردید. همچنین حمل حشیش نیز جرمی مستحق کیفر به شمار آمد و کشورهای عضو ملزم شدند که «تدابیر اجرایی و تقیینی مشابه» را جهت مبارزه با مصرف و قاچاق حشیش اتخاذ نمایند. به‌طور خاص، پاراگراف‌های ۱ و ۵ ماده ۲، ماده ۴، ماده ۳۶ و ماده ۴۹ این کنوانسیون ناظر بر محدودیت‌های حقوقی مزبور است. (Norml.com, 2015)

ماده ۲۲ پروتکل اصلاحی کنوانسیون واحد سازمان ملل در ۱۹۷۱ با انعکاس مفاد کنوانسیون ۱۹۶۱ مقرر می‌دارد که هر یک از اعضاء، ملزم به مجازات نمودن رفتارهای عامدانه مغایر با مفاد این کنوانسیون می‌باشند و از آنجا که ترکیبات حشیش و THC و مشخصاً THC دلتا ۹ (Delta-9-THC) بر اساس جدول اول و دوم پیوست این کنوانسیون جزء مواد روان گردان تلقی شده‌اند، از اینرو جرم‌انگاری مصرف حشیش توسط دول امضاءکننده این کنوانسیون اجتناب ناپذیر خواهد بود.

همچنین کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با مواد مخدر و داروهای روان گردان مصوب ۱۹۸۸ در بند ۲ قسمت ج ماده ۳، خواستار اعمال مجازات حمل شخصی مواد روان گردان توسط افراد شده است. طبق این بند: «۲..... هر یک از اعضاء

رابطه از دیگر موانع حقوقی در سر راه اجرای سیاست جرم‌زدایی مواد مخدر به شمار می‌آید.

۷- پاک کردن صورت مساله

تاکنون تلاش‌های بسیاری جهت کنترل مواد مخدر در تمامی کشورهای دنیا اعم از دولت‌های دینی و سکولار صورت گرفته است و هزینه‌های بسیاری در این خصوص صرف شده و البته موفقیت‌هایی نیز هر چند در برخی موارد غیر چشمگیر بدست آمده است. اکنون پس از گذشت این همه سال و صرف مبالغی هنگفت در این مسیر و کسب تجارب ارزنده در این راه، سخن گفتن از جرم‌زدایی و ترک تعقیب کیفری و کنترل بازار تولید و توزیع و مصرف مواد مخدر امری سقیم خواهد بود. آنچه که جامعه طالب آن بوده برداشتن گام‌هایی استوار در این مسیر است و نه عقب‌نشینی از مواضع پیشین و پشت‌پازدن به تمامی دستاوردهای گذشته. به زعم مخالفان، آزادسازی مواد مخدر آرام - که مصرف آن در میان قشر کثیری از جوانان غلبه دارد، در واقع دست کشیدن از مواضع قانونی و تسلیم شدن به شرایط و مقتضیات کنونی است. به عبارت دیگر، این امر به معنای شکست سیاست‌های مبارزه با مواد مخدر و سازش با امیال مجرمین مواد مخدر است و بی‌درنگ این مثال قدیمی را به ذهن می‌آورد که «اگر توان مقابله با کسی را نداری با وی مصالحه کن.» (رحمدل، ۱۳۸۶: ۳۲)

آزادسازی مواد مخدر آرام، در حقیقت پاک کردن صورت مسأله‌های مهمی است که دست‌اندرکاران، سیاست‌گذاران و کارگزاران دولتی به دلیل عدم کفایت، قادر به حل کلاف سردرگم آن نبوده‌اند. جرم‌زدایی، نوعی شانه خالی کردن از بار مسوولیت و طفره رفتن از انجام وظایف قانونی و در عین حال مدرن جلوه دادن دیدگاه‌ها و اندیشه‌های خود است.

نتیجه‌گیری

جرم‌زدایی از مصرف مواد مخدر آرام مانند حشیش و تلاش برای قانونمند کردن مصرف آن، اگرچه ممکن است واجد فوائد و آثار مثبت نیز باشد لیکن در تعارض با بسیاری از قواعد حقوقی و یافته‌های پزشکی قرار می‌گیرد، از اینرو فاقد توجیه است.

کنوانسیون تدابیر لازم را به منظور جرم قلمداد کردن عمل حمل، خرید و یا کاشت مواد مخدر و یا داروهای روان‌گردان برای مصارف شخصی برخلاف مقررات کنوانسیون ۱۹۶۱ و اصلاحیه آن و یا کنوانسیون ۱۹۷۱... معمول خواهند داشت.»

از این تاریخ به بعد می‌توان طیف متنوعی از سیاست‌های دارویی کشورهای مختلف را مشاهده نمود که ایالات متحده در یک سوی آن، شدیدترین تدابیر کیفری و اجرایی را عملی ساخته و در سوی دیگر هلند دارای سهل‌گیرانه‌ترین سیاست جنایی در کنترل مواد مخدر است. ایران که خود از امضاء کنندگان کنوانسیون ۱۹۳۱ ژنو بوده و از امضاءکنندگان کنوانسیون واحد نیز محسوب می‌گردد در تاریخ ۱۳۵۱/۴/۱۸ قانون الحاق دولت ایران به معاهده واحد مواد مخدر ۱۹۶۱ نیویورک را به تصویب رساند و در ۱۳۸۰/۵/۱۴ نیز پروتکل الحاقی به این کنوانسیون را تصویب نمود. همچنین در ۱۳۷۰/۹/۱۳ نیز قانون الحاق به کنوانسیون سازمان ملل برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان به تصویب مجلس رسید. از اینرو با التزام به مفاد کنوانسیون‌های بین‌المللی مزبور سخن گفتن از جرم‌زدایی مصرف مواد مخدر آرام اندکی با دشواری رو برو است.

علاوه بر کنوانسیون‌های مذکور که دول ایران، هلند و ایالات متحده جملگی به تصویب آن پرداخته‌اند، دولت هلند در سال ۱۹۸۵ معاهده شنگن را نیز در خصوص مورد امضاء کرده و به کنوانسیون ۱۹۹۰ نیز پیوسته است. ماده ۷۱ کنوانسیون اخیر الذکر متابعت کامل خود از کنوانسیون ۱۹۶۱ نیویورک و اصلاحیه آن و نیز کنوانسیون ۱۹۸۸ و الزام کشورها به مفاد آن را مورد تاکید قرار داده است. همچنین کنوانسیون شورای اروپا در خصوص قاچاق مواد مخدر از طریق دریا، دول عضو را از تاریخ ۳۱ ژانویه ۱۹۹۵ ملزم نموده است که مفاد پاراگراف ۱ ماده ۳ کنوانسیون ۱۹۸۸ سازمان ملل را در سیاهه عناوین کیفری داخلی خود وارد نمایند. رهنمود شورای اروپا در خصوص پیشگیری از ایجاد سامانه مالی جهت اهداف پولشویی، رهنمود شورای اروپا در خصوص تاسیس مرکز پایش مواد مخدر و نیز توافقات دو جانبه هلند با سایر کشورها نظیر ونزوئلا در این

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهام نویسندگان: نگارش اولیه مقاله توسط نویسنده مسوول انجام گرفته است و آقای دکتر محمدعلی مهدوی ثابت، تهیه منابع، ترجمه متون و نگارش نهایی را عهده‌دار بوده‌اند

تشکر و قدردانی: از تمامی کسانی که در حوزه پژوهش‌های مواد مخدر ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.
تامین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدن تامین اعتبار مالی سامان یافته است.

الف. منابع فارسی

- احسان‌پور، سیدرضا و احسان‌پور، سیدمحمد رضا (۱۳۹۵). «توجیهات جرمزدایی از مصرف مواد مخدر آرام». فصلنامه حقوق پزشکی، ۱۰(۳۹): ۱۷۱-۱۹۹.
- احسان‌پور، سیدرضا و امی، احمد (۱۳۹۹). «سیر تاریخی و تحولات جرمزدایی از مصرف مواد مخدر آرام». فصلنامه تاریخ پزشکی، ۱۲(۴۲): ۲۷-۱۰.
- احسان‌پور، سیدرضا؛ رضایی، راحله و اله‌بداشتی، ندا (۱۳۸۹). «طبقه‌بندی نوین مواد مخدر در پرتو مطالعه تطبیقی». فصلنامه حقوق پزشکی، ۴(۱۴): ۸۷-۹۹.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۷). حقوق جزای عمومی. جلد اول، چاپ هفدهم، تهران: انتشارات میزان.
- رحمدل، منصور (۱۳۸۶). سیاست جنایی ایران در قبال جرایم مواد مخدر. تهران: انتشارات سمت.

ب. منابع خارجی

- Anslinger, H (1937). "Assassin of Youth". *The American magazine*, 124:156-169
- Arseneault, L; Moffitt, T; Caspi, A; Taylor, P & Silva, P (2000). "Mental Disorders and Violence in Total Birth Cohort: Results From The Dunedin Study". *Archives of General Psychiatry*, 57(2): 979-986.
- Bloom quist, E (1968). *Marijuana*. USA: Glencoe Press. via:www.mmp.org (Last revised: 2020)
- Brook, J; Balka, E. & Whiteman, M (1999). "The Risks For Late Adolescence of Early Adolescent Marijuana Use". *American Journal of Public Health*, 89(3): 1549-1554.
- Donovan, J. & Jessor, R (1983). "Problem Drinking And The Dimension of Involvement With Drugs: A Guttman Scalogram Analysis

of Adolescent Drug Use. *American Journal of Public Health*, 73(2): 543-552.

- DuPont, R (1984). *Getting Tough on Gateway Drugs*. Washington, DC: American Psychiatric Press.
- Fergusson, D. & Horwood, L (1997). "Early Onset Cannabis Use And Psychosocial Adjustment In Young Adults". *Addiction*, 92(2): 279-296.
- Fromberg, E(1994). *The Case of the Netherlands: Contradictions and Values*. International Antiprohibition League.
- Fussier, A (1931). "The Marijuana Menace". *New Orleans medical & surgical journal*, 25(2): 84-95.
- Hearings, H (1960). "Hearings before the Subcommittee of the Committee on Appropriations". *House of Representatives*, 25(3): 182.
- Johnston, L ; O'Maley, P & Eveland, L (1978). *Drugs and delinquency: Asearch for causal connections*. New York: John Wiley and Sons.
- Kaplin, S (1994). *The Effects Of Harm Reduction V. Harm Prevention: An International Assessment*. Via: www.NORML.com (last revised: 2020)
- Kleiman, M (1992). *Against Excess: Drug Policy for Results*. New York: Basic Books Press.
- Leuw, E and Marshal, I.H (1994). *Between Prohibition and Legislation: The Dutch Exprimint in Drug Policy*, Amesterdam: Kugler Publications.
- Mandel, j(1966). *Hashish, Assassin and The Love Of God*. Vol 2, Usa: Issues in Criminology.

- Marcel D (1994). *A short History of Drugs in the Netherlands* via: www.NORML.com (last revised: 2020)
 - *Marijuana's Gateway Myth* via: <http://www.drcnet.org> (Last Revised: 2020)
 - Nahas, G (1985). *Keep off the Grass*. via: www.mmp.org (Last Revised: 2020)
 - Newcomb, M & Bentler, P (1988). *Consequences of adolescent drug use*. California:, Sage Publications.
 - Polich, J; Ellickson, P; Reuter, P & Kahan, J (1984). *Strategies for Controlling Adolescent Drug Use*. CA: The RAND Corporation.
 - Reuter, P & Kleiman, M (1986). *Risks And Prices: An Economic Analysis Of Drug Enforcement* Vol. 7, Chicago: University of Chicago Press.
 - Salmelainen, P (1995). *The Correlates of Offending Frequency: A Study of Juvenile Theft Offenders In Detention*. Sydney: New South Wales Bureau of Crime Statistics and Research.
 - Trimboli, L (1998). "Cannabis and Crime: Treatment Pprograms for Adolescent Cannabis Use". *Crime and Justice Bulletin*, 41(2): 1-16.
 - Van Ours, J (2003). "Is Cannabis A Stepping-Stone For Cocaine?" *Journal of Health Economics*, 22(2): 539-554.
 - Vince, G (2006). "Why Teenagers Should Steer Clear of Cannabis" via: <http://www.newscientist.com/article>. (Last revised: 2020)
 - Warner, K (1991). "Legalizing Drugs: Lessons From (And About) Economics". *Milbank Quarterly*, 69(3): 641-661.
 - White, H (1991). "Marijuana Use and Delinquency: A Test of the 'Independent Ccause' Hypothesis." *Journal of Drug Issues*, 21(3): 231-256.
 - Wolf, W (1936). "Uncle Sam Fights New Drug Menace: Marijuana." *Popular Science Monthly*, 12 (2):119-132.
 - Zimmer, L (2018). *The History of Cannabis Prohibition*: via: www.NORML.com (Last Revised: 2020)
- ج. سایت‌های اینترنتی
- www.drcnet.org (Last Revised: 2020)
 - www.Freedictionary.com (Last Revised: 2020)
 - www.mmp.org (Last Revised: 2020)
 - www.newscientist.com (Last revised: 2020)
 - www.NORML.com (Last Revised: 2020)
 - www.OxfordDictionary.com (Last Revised: 2020)

References

- Anslinger, H (1937). "Assassin of Youth". *The American magazine*, 124:156-169
- Ardebili, MA (2019). *General Criminal Law*. Vol 1, 17th ed. Tehran: Mizan Press. (Persian)
- Arseneault, L; Moffitt, T; Caspi, A; Taylor, P & Silva, P (2000). "Mental Disorders and Violence in Total Birth Cohort: Results From The Dunedin Study". *Archives of General Psychiatry*, 57(2): 979-986.
- Bloomquist, E (1968). *Marijuana*. USA: Glencoe Press. via:www.mmp.org (Last revised: 2020)
- Brook, J; Balka, E. & Whiteman, M (1999). "The Risks For Late Adolescence of Early Adolescent Marijuana Use". *American Journal of Public Health*, 89(3): 1549-1554.
- Donovan, J. & Jessor, R (1983). "Problem Drinking And The Dimension of Involvement With Drugs: A Guttman Scalogram Analysis of Adolescent Drug Use. *American Journal of Public Health*, 73(2): 543-552.
- DuPont, R (1984). *Getting Tough on Gateway Drugs*. Washington, DC: American Psychiatric Press.
- Ehsanpour, SR & Ehsanpour, SMR (2016). "Justifications For Decriminalization of Soft Drugs". *Journal of Medical Law*, 10(39): 171-199. (Persian)
- Ehsanpour, SR & Ommi, A (2020). "Timeline of Decriminalization of Soft Drugs". *Journal of Medical History*, 12(42): 10-27. (Persian)
- Ehsanpour, SR; Rezai, R & Bedashti, N (2010). "Comparative Study on Classification of Drugs". *Journal of Medical Law*, 4(14): 87-99. (Persian)
- Fergusson, D. & Horwood, L (1997). "Early Onset Cannabis Use And Psychosocial Adjustment In Young Adults". *Addiction*, 92(2): 279-296.
- Fromberg, E(1994). *The Case of the Netherlands: Contradictions and Values*. International Antiprohibition League.
- Fussier, A (1931). "The Marijuana Menace". *New Orleans medical & surgical journal*, 25(2): 84-95.
- Hearings, H (1960). "Hearings before the Subcommittee of the Committee on Appropriations". *House of Representatives*, 25(3): 182.
- Johnston, L ; O'Maley, P & Eveland, L (1978). *Drugs and delinquency: A search for causal connections*. New York: John Wiley and Sons.
- Kaplin, S (1994). *The Effects Of Harm Reduction V. Harm Prevention: An International Assessment*. Via: www.NORML.com (last revised: 2020)
- Kleiman, M (1992). *Against Excess: Drug Policy for Results*. New York: Basic Books Press.
- Leuw, E and Marshal, I.H (1994). *Between Prohibition and Legislation: The Dutch Experiment in Drug Policy*, Amsterdam: Kugler Publications.
- Mandel, J (1966). *Hashish, Assassin and The Love Of God*. Vol 2, Usa: Issues in Criminology.
- Marcel, D (1994). *A short History of Drugs in the Netherlands* via: www.NORML.com (last revised: 2020)

- *Marijuana's Gateway Myth* via: <http://www.drcnet.org> (Last Revised: 2020)
- Nahas, G (1985). *Keep off the Grass*. via: www.mmp.org (Last Revised: 2020)
- Newcomb, M & Bentler, P (1988). *Consequences of adolescent drug use*. California:, Sage Publications.
- Polich, J; Ellickson, P; Reuter, P & Kahan, J (1984). *Strategies for Controlling Adolescent Drug Use*. CA: The RAND Corporation.
- Rahmdel, M (2007). *Iranian Criminal Policy Towards Drugs*. Tehran: Mizan Press. (Persian)
- Reuter, P & Kleiman, M (1986). *Risks And Prices: An Economic Analysis Of Drug Enforcement* Vol. 7, Chicago: University of Chicago Press.
- Salmelainen, P (1995). *The Correlates of Offending Frequency: A Study of Juvenile Theft Offenders In Detention*. Sydney: New South Wales Bureau of Crime Statistics and Research.
- Trimboli, L (1998). "Cannabis and Crime: Treatment Pprograms for Adolescent Cannabis Use". *Crime and Justice Bulletin*, 41(2): 1-16.
- Van Ours, J (2003). "Is Cannabis A Stepping-Stone For Cocaine?" *Journal of Health Economics*, 22(2): 539-554.
- Vince, G (2006). "Why Teenagers Should Steer Clear of Cannabis" via: <http://www.newscientist.com/article>. (Last revised: 2020)
- Warner, K (1991). "Legalizing Drugs: Lessons From (And About) Economics". *Milbank Quarterly*, 69(3): 641-661.
- White, H (1991). "Marijuana Use and Delinquency: A Test of the 'Independent Ccause' Hypothesis." *Journal of Drug Issues*, 21(3): 231-256.
- Wolf, W (1936). "Uncle Sam Fights New Drug Menace: Marijuana." *Popular Science Monthly*, 12 (2):119-132.
- www.drcnet.org (Last Revised: 2020)
- www.Freedictionary.com (Last Revised: 2020)
- www.mmp.org (Last Revised: 2020)
- www.newscientist.com (Last revised: 2020)
- www.NORML.com (Last Revised: 2020)
- www.Oxpondictionary.com (Last Revised: 2020)
- Zimmer, L (2018). *The History of Cannabis Prohibition*: via: www.NORML.com (Last Revised: 2020)